

متفاوت تر

سال ۹۴ بود بعد سفر اربعینم به کربلا، یک مطلبی رو خیلی دوست داشتم در یک فرصت مبسوطی به "حاج قاسم" عرض کنم ولی افسوس که هیچ وقت فرصتش پیش نیومد یعنی اصلا باور نمیکردم روزی افسوس نبود حاجی رو بخوریم ولی رخ داد حالا اون مطلب رو با شما دوستان حاجی در میون میذارم؛ میگم چند نفر میرن اربعین کربلا؟

۲۳ میلیون نفر؟ حالا بگیم ۳ میلیون که ایرانی هستن و مهمان که هیچ، مثلا ۱۰ میلیون هم پیرزن و پیرمرد و بچه هم که هیچ، اون ۱۰ میلیون باقی مونده ۹ میلیونش همینجوری الکی! که هیچ، ۱ میلیون هم زیاده؟! باشه ۹۰۰ هزارتاش رو میذارم کنار و هیچ، ولی واقعا یه ۱۰۰ هزار نفر عراقی، یعنی به اندازه استادיום آزادی ما نمیتونن بجای پیاده روی و کلی موکب های نذری که خدا برکت بده و قبول کنه یه زحمت بکشن و یه توک پا برن حمله کنن به پایگاه های آمریکایی ها تو کشورشون و اونهارو بیرون کنن؟!؟!؟

واقعا نمیتونن آیا؟!؟!؟ حدود ۳ هزار سرباز آمریکایی این حرفهارو داره؟ من هیچ وقت غبطه ی موکب و پا ماساژ دادن و قهوه دادن و هر کار دیگه ی عراقی ها رو نخوردم اصلا هم برام جالب و جذاب نبوده! از شما چه پنهون دیگه بعد اون سال هم اربعین نرفتم کربلا، چون دیگه نمیتونستم به پایگاه التاجی و ویکتوری در بغداد، القیاره تو موصل، اتروش در اربیل، الحبانیه در الانبار، رینج و آلتون کوپری در کرکوک و... فکر نکنم! نمیتونستم تو اون کشور با حضور میلیون ها مسلمان آروم بگیرم و آروم و آهسته و پیوسته سه روز فقط راه برم! بعد از اون سال دیگه غیر اربعین رفتم کربلا تا "یارانی" نباشن و تکلیفی هم نباشه....

میخواستم بگم "حاجی" به نظر شما اجازه دارم با یک کار "تبیینی" به عراقیا بگم هم اون زمانها به قاتلین ظالم "ائمہ اطہار" اجازه دادین تو کشور شما ساکن بشن و بچرخن و بچرن، هم این روزها به ظالمین اجازه دادین!!! حالا میفهمید چرا حاجی تو وصیتش گفت "ایران حرم اهل بیته"...